



فرایند عضویت و گسترش روابط افغانستان با

سازمان‌های بین‌المللی

مصطفی شفیق^۱

چکیده

عضویت افغانستان در مشارکت دولت‌داری باز، کسب جایگاه قابل قبول در عرصه آزادی بیان، کسب جایگاه یک‌صد و چهارم در حکومت‌داری الکترونیکی، تدوین استراتژی مبارزه با فساد اداری و ایجاد محکمه عدلی و قضایی مبارزه با فساد، نشانه‌های عملی از باور به حکومت‌داری خوب به حساب می‌آید. دولت افغانستان، هم‌زمان با تغییرات نظام نوین بین‌المللی در عرصه‌های مختلف سیاست خارجی، همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی، گستره روابط دولت افغانستان با سایر دولت‌ها و کسب عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، توانست جایگاه نظام سیاسی و دولت افغانستان را در سطح منطقه و جهان تغییر دهد. تغییر فرهنگ حکومت به فرهنگ خدمت‌محور، تقویت و توسعه حکومت‌داری خوب بر همین مبنا، جلب توجه جامعه جهانی و نظام‌های بین‌المللی نسبت به مسائل و چالش‌های موجود در افغانستان، ایجاد اجماع ملی و جهانی برای دستیابی به استقرار صلح پایدار، مبارزه با گروه‌های تروریستی و افراطی، تقویت و تجهیز نیروهای امنیتی و دفاعی با همکاری شرکا و هم‌پیمانان استراتژی بین‌المللی و منطقه‌ای، یکی از مهم‌ترین اقدامات حکومت وحدت ملی در نظام سیاسی معاصر افغانستان به حساب می‌آید.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، نظام سیاسی، سازمان‌های بین‌المللی، دولت افغانستان،

استقرار صلح، جامعه جهانی.

۱. استاد دانشگاه و پژوهشگر (mustafa.shafiq1988@gmail.com).

مقدمه

گستره استقرار صلح و امنیت جهانی و ایجاد همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان دولت‌ها از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین نیازها و دیرینه‌ترین آرزوهای جوامع بشری بوده است. به عبارت دیگر، گستره و پیشبرد هدف‌های صلح و امنیت جهانی در پیوند به روابط میان دولت‌ها و ملت‌ها از مجرای بین‌المللی و رفاه عمومی جمعیت جهانی بدون تشکیل نهادهایی که این اهداف جوامع بشری را دنبال می‌کنند، قابل دستیابی به صلح جهانی و استقلال کشورهای جهانی نبوده است. در ادوار و قرون مختلف تاریخ گذشته جوامع بشری، روابط بین‌الملل مبتنی بر روابط دوجانبه و چندجانبه دولت‌ها بود و هرچند در قرن نوزدهم نیز تلاش‌هایی در جهت نظام‌بخشیدن همکاری‌های بین‌المللی از طریق کنفرانس وین ۱۸۱۵ و کنفرانس برلین ۱۸۸۵ صورت گرفت؛ اما آن تلاش‌ها چندان نتیجه و آثار عملی در پی نداشت؛ به‌خصوص این‌که آن اقدامات به قاره اروپا محدود می‌شد؛ در صورتی که همبستگی برای تحقق صلح در همه کشورهای در گرو همکاری همه‌جانبه کشورهای عضو سازمان‌های بین‌المللی با حفظ احترام و به رسمیت شناختن حاکمیت ارضی و استقلال کشورها می‌باشد. به‌صورت کلی، از آن‌جا که حیات جمعی جوامع بشری، همواره کانون جنگ، منازعه و اختلافات جدی برای تسلط بر منابع طبیعی و انسانی بوده است، به صورت طبیعی گسست میان دولت‌ها و ملت‌ها را نیز تشدید می‌کرد؛ بنابراین، همکاری و همبستگی میان کشورها را با خطر جنگ‌های ویرانگر و تهدام‌کننده‌ای مواجه ساخته، استقلال و سلامتی کشورها را عملاً از میان برداشته است. دولت‌ها به شیوه‌های مختلفی در رابطه با یکدیگر، برای تأمین منافع ملی خود، به منابع قدرت خویش سازمان می‌دهند. از آن‌جا که دولت‌ها در سطح بین‌المللی همه دارای حاکمیت هستند، هریک ممکن است برای دیگری تهدیدی به شمار روند. در نتیجه، دولت‌ها ممکن است وارد انواعی از پیمان‌های نظامی یا نظام‌های امنیت دسته‌جمعی شوند. هدف نهایی از ورود به این پیمان‌ها، تأمین امنیت ملی به‌منظور پیگیری منافع ملی است؛ بنابراین، هدف از تشکیل پیمان‌ها و اتحادها، افزایش قدرت ملی و دستیابی به استقلال ملی با پیوستن به دیگر دولت‌ها است. معمولاً تشکیل هر پیمانی، پیمان‌های دیگری به دنبال می‌آورد. از همین رو، برخی از منتقدین، تشکیل پیمان‌ها را در فرجام کار، تأمین‌کننده منافع دولت‌ها و صلح و امنیت آن‌ها نمی‌دانند؛ بلکه عاملی در تشدید رقابت‌ها و ایجاد ناامنی و جنگ در مقیاسی بزرگ‌تری تلقی می‌کنند. در دوران جنگ سرد، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی



(ناتو) و پیمان ورشو، از جمله چنین پیمان‌هایی بودند (بشیریه، ۱۳۸۵: ۲۲۳). با پیشرفت جوامع بشری، لزوم همکاری همه‌جانبه دولت‌ها و برقراری روابطی عادلانه، ضروری‌ترین اقدام برای دستیابی به صلح پایدار واقعی و امنیت پایدار به شمار آمد؛ بنابراین، پس از جنگ جهانی اول، «جامعه ملل»، نخستین سازمان بین‌المللی، به این هدف تشکیل شد که در نظر داشت کلیه اعضای جامعه بین‌المللی را دربرگیرد. تحولاتی که پس از تشکیل سازمان ملل متحد در جهان صورت گرفته است، تغییراتی شگرف در نظام داخلی دولت‌ها و تطبیق مقررات آن‌ها با قواعد بین‌المللی به وجود آورده است (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۰). دستیابی به سازمان‌های بین‌المللی انکشافی، سازمان ملل متحد، شرکت‌های چندملیتی، جامعه مدنی بین‌المللی و سایر سازمان‌های غیر حکومتی، از جمله اهداف سیاست خارجی کشور است که در تبیین نظام سیاسی و سیاست خارجی توسط رئیس‌جمهور در دستگاه دیپلماسی حلقه پنجم سیاست خارجی تعریف شده است؛ بنابراین، جنگ‌های نیابتی، نگرش به افغانستان به‌عنوان عمق استراتژیک توسط برخی از قدرت‌های جهانی و کشورهای منطقه‌ای، موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان و هجوم گروه‌ها و سازمان‌های متعدد تروریستی به کشور با نیت و مقاصد مختلف و... از جمله عواملی هستند که مسئله امنیت ملی کشور را به‌عنوان یکی از محراق‌های برجسته توجه سیاست خارجی تبدیل کرده است. سیاست همگرایی منطقه‌ای به‌عنوان یک اصل اساسی در سیاست خارجی حکومت مطرح است و این اصل می‌تواند جغرافیای افغانستان را به یک جغرافیای اقتصادی-سیاسی تبدیل کند که بر اساس آن، کشور ما می‌تواند نقطه وصل آسیای شرقی، مرکزی، جنوبی و غربی باشد و به سرعت به سمت رشد و شکوفایی اقتصادی حرکت نماید؛ بنابراین، یکی از اهداف سیاست خارجی افغانستان، برگرداندن جایگاه و عزت کشور در نظام بین‌الملل است. افغانستان هم‌اکنون به مرحله‌ای رسیده است که به تعبیر رئیس‌جمهور محمداشرف غنی، در نظام بین‌الملل «با اتفاق نظر روی ارزش‌های دموکراسی و حقوق بشر، با یک دیدگاه مشترک در قبال تروریسم، احترام به قوانین بین‌المللی و حاکمیت کشورها و تعهد برای ریشه‌کن‌نمودن فقر و دست‌یافتن به اهداف انکشاف اجتماعی، باهم به‌مثابه شرکا، یکجا» فعالیت و کار می‌کند (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۴۷).



۱. مفاهیم اساسی

۱-۱. سازمان‌های بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی به تجمعی از دولت‌ها اطلاق می‌شوند که بر اساس یک سند تأسیس (معاهده) تشکیل می‌شوند و اعضای آن اهداف مشترکی را در چهارچوب نهادها و کارگزاری‌های ویژه با فعالیت مستمر و مداوم دنبال می‌کنند. بر اساس این تعریف می‌توان ویژگی‌های سازمان‌های بین‌المللی را این‌گونه تحلیل کرد: ۱) سازمان بین‌المللی از اجتماع دولت‌ها تشکیل می‌شود؛ ۲) سازمان بین‌المللی بر اساس یک سند تأسیس ایجاد می‌شود؛ ۳) اعضای سازمان اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند؛ ۴) فعالیت سازمان در چهارچوب ارکان و کارگزاری‌های خاص صورت می‌گیرد؛ ۵) فعالیت سازمان مستمر و مداوم است (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۰).

۲-۱. سیاست خارجی

سیاست خارجی به معنای دنبال کردن هدف کشور در محیط بین‌المللی و در رابطه با جامعه‌ها، دولت‌ها و کشورهای دیگر است. به عبارت دیگر، سیاست خارجی، راهنمای موضع‌گیری در جهان است و مجموعه‌ای از اهداف بین‌المللی و راه‌های رسیدن به آن‌ها را شامل می‌شود. سیاست خارجی کشورهای مختلف باهم متفاوت است؛ زیرا سیاست خارجی یک کشور نیز در طی زمان تغییر می‌کند؛ بنابراین، در اولین سال‌های هزاره سوم، دیگر بدون داشتن روابط با دیگر کشورها، ادامه حیات سیاسی و اجتماعی برای هیچ واحد سیاسی امکان‌پذیر نیست؛ از این رو، سیاست خارجی کشورها مجموعه‌ای از موضع‌گیری‌ها، اقدامات و تصمیماتی است که دولت‌های ملی نسبت به یکدیگر و یا نسبت به سازمان‌های بین‌المللی اتخاذ می‌کنند و هدف اصلی آن‌ها، تأمین منافع دولت ملی به‌عنوان واحد سیاسی یکپارچه است (بشیریه، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

۲. مبانی نظری سازمان‌های بین‌المللی

۲-۱. جایگاه سازمان‌ها در سیاست جهانی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای هر رشته علمی یا حوزه مطالعاتی را دستاوردهای نظری یا بنیادها و مبانی نظری آن تشکیل می‌دهد؛ زیرا مبانی نظری نظریه‌ها به بیان «واسکر»، شناخت



را در یک هم‌نهاد ترکیب می‌کنند و جهان را با ایجاد ارتباط پدیده‌هایی که ظاهراً نامرتبط و بی‌معنا هستند، برای ما تحلیل و تفسیر و معنادار می‌کنند؛ بنابراین، باید توجه داشت که در حوزه نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل ما با دو دسته از آثار و فعالیت‌های نظری رو به رو هستیم: از یک‌سو، در نظریه‌پردازی رده اول در مورد ساختار و پویایی نظام بین‌الملل نظریه‌پردازی صورت می‌گیرد. چنین نظریه‌هایی می‌کوشند به فهم ما از سیاست جهانی به نظریه‌های محتوایی کمک کنند که نمونه این نظریه‌ها را می‌توان در واقع‌گرایی، نواقح‌گرایی، لیبرالیسم، نهادگرایی نولیبرال و... دید. از سوی دیگر، در نظریه‌پردازی رده دوم به مسائل فرانظری پرداخته می‌شود که هدف از آن نیز افزایش فهم ما از سیاست جهانی است؛ اما از طریق غیر مستقیم‌تر و با تمرکز بر مسائل هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی می‌توان آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۶). در یک نگاه کلی و تحلیل گفتمانی، مبانی نظری نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در سیاست جهانی و جهانی‌شدن سیاست یعنی سازمان‌های بین‌المللی را عملاً وارد عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روابط میان دولت‌ها در جهت تحکیم استقرار صلح به‌صورت یک سازمان تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده اصلی تبدیل کرده است. مفهوم نظام بین‌الملل که از تحلیل سیستمی ناشی می‌شود، به دو صورت در سیاست بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرد: یکی در شکل توصیفی و دیگری در یک سطح توضیحی و تحلیلی. در شکل نخست، نظام بین‌الملل، شیوه‌ای دیگر برای بررسی نظام دولت‌ها به شمار می‌رود. در سطح دولت، گروه‌ها و منافعی که در درون آن می‌باشند، به‌صورت نظام‌های فرعی تلقی می‌گردند. در مطالعات سنتی نظام بین‌الملل که تأکید بسیاری روی هدف‌ها و جهت‌گیری قدرت‌های بزرگ شده، تصور بر این بوده که آن‌ها بر فرایندها و نتایج تأثیر بسزایی دارند (قوام، ۱۳۹۳: ۱۶۴). محققان سیاست بین‌الملل دو فرایند اساسی سیستمیک را در بررسی نظام‌های بین‌المللی گذشته، حال و آینده مورد توجه قرار داده‌اند. این دو فرایند را می‌توان در دو مفهوم تعارض و همکاری خلاصه کرد. دولت‌ها در برخورد با این دو فرایند سیستمیک، در صدد ایجاد رژیم‌ها و نهادها برمی‌آیند. به همین دلیل، در قرن بیستم، ناظر ایجاد جامعه ملل، سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای می‌باشیم. آنچه مسلم است، وجود سازمان‌های مزبور در تعدیل ماهیت نظام بین‌الملل نقش اساسی داشته؛ به نحوی که می‌توان صحبت از «مدل بازیگر مختلط» به میان آورد. این مفهوم را در سال ۱۹۷۲، «اورن یانگ» به کار برد و استدلال وی آن بود که دیگر نمی‌توان مانند گذشته، مبنای تحلیل سیاست‌های کلان را روی یک مدل بازیگر منحصر به فرد قرار داد (قوام،



۱۳۹۳: ۱۶۵). سازمان‌های بین‌المللی که در پایان قرن نوزدهم ظاهر شدند، پس از ۱۹۴۵ اهمیت بی‌سابقه‌ای در روابط بین‌المللی یافتند. این سازمان‌ها، نقش سامان‌دهنده نظام بین‌المللی معاصر را بر عهده دارند و نیز در برقراری صلح نسبی در این نظام سهیم‌اند؛ بنابراین، سازمان بین‌المللی دولتی «انجمنی از دولت‌ها است که از طریق قرارداد میان اعضا ایجاد شده و مجهز به تشکیلات و نهادهای دائمی است و عهده‌دار پیگیری تحقق اهداف منافع مشترک از طریق همکاری میان آن‌هاست.» (گونل، ۱۳۹۴: ۲۷۱).

۲-۲. کارکردهای مهم سازمان‌های بین‌المللی دولتی در نظام بین‌المللی

۱. سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی، سامان‌بخش روابط بین‌المللی هستند؛ چرا که مجموعه‌های سیاسی، حقوقی و عملیاتی را تشکیل می‌دهند که مخالف رفتار فردگرایانه و هرج و مرج طلبانه دولت‌ها است؛ دولت‌هایی که اصولاً در پی ارتقا و دفاع از منافع ملی خویش هستند. این سازمان‌ها، مشارکت میان دولت‌ها را نهادینه و بدین ترتیب، ساختار بین دولتی موجود را مستحکم می‌سازند. سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی در صدد القای برداشت چندجانبه‌گرایانه قرن نوزدهم به روابط بین‌المللی یا حداقل به بخشی از آن هستند.

۲. سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی از مشروعیت جمعی در نظام سیاسی بین‌المللی برخوردارند؛ به این معنا که این سازمان‌ها رفتار دولت‌های عضو را توجیه و وضعیت‌های موجود را تأیید می‌کنند.

۳. سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی به مدیریت فعالیت‌ها و مسائل جهانی یا منطقه‌ای می‌پردازند؛ بنابراین، یک دولت قادر نخواهد بود به تنهایی به حل مسائلی چون امنیت بین‌المللی، روابط پستی‌جهتی، تردد هوایی یا دریایی غیر نظامی و غیره بپردازد. این سازمان‌ها از طریق مذاکره نهادی داخلی و همکاری‌های فعال دول عضو، به تنظیم این سیاست‌های عمومی بین‌المللی واقعی می‌پردازند.

۴. سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی بر فعالیت‌های اعضای خود نظارت بین‌المللی گسترده و متنوعی را اعمال می‌کنند. شیوه‌های مختلفی چون تعهد به دادن گزارش و تعهد به توجیه عمل نکردن به توصیه‌های این سازمان‌ها، امکان سازگاری رفتار اعضا با دستورات و اهداف سازمان را فراهم می‌آورد.



۵. سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی نقش اطلاع‌رسانی دارند؛ چرا که در گردهمایی عادی آن‌ها، امکان گفت‌وگوی غیر رسمی میان دولت‌ها فراهم است. فراهم آوردن امکان مطالعه و تحلیل، دسترسی افراد به شبکه‌ای از اطلاعات در آگاهی، تبلور، شناسایی و بیان دقیق و منسجم مسائل جمعی - هم در سطح جهانی و هم در سطح محدودتر - سهیم است (گونل، ۱۳۹۴: ۲۸۳).

۶. سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی، بازیگرانی هستند که از تنش‌ها در روابط بین‌المللی می‌کاهند. این سازمان‌ها کم و بیش به طور مستقیم در برقراری صلح حیات بین‌المللی تلاش می‌کنند. ملاقات نمایندگان دولت‌های عضو در این سازمان‌ها اغلب مانع از استقرار افسارگسیخته ارتباطات زور می‌شود و اقدام آن‌ها در جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش پیش‌گیرانه دارد. برخی از این سازمان‌ها، سازمان کشورهای آمریکایی، سازمان ملل متحد و سازمان وحدت آفریقا، در صورت بحرانی آشکار، صلاحیت مداخله برای فرونشاندن تنش‌های بسیار شدید را دارند.

۷. سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی، مکانی برای وارد شدن دولت‌ها در اجتماع بین‌المللی هستند. این سازمان‌ها به آموزش نوعی فرهنگی - سیاسی خاص روابط بین‌المللی به نخبگان کشورهای عضو می‌پردازند. شناخت این فرهنگ ورود یک دولت را در نظام بین‌المللی تسهیل می‌کند.

۸. سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی، کارکرد توصیه‌ای دارند. این سازمان پس از مشورت‌ها و مذاکرات، به وضع مقررات حقوقی کم و بیش الزام‌آوری می‌پردازد (دستور، فرمان، توصیه‌ها) که از وجود قوه‌ای شبه مقننه و قانون‌گذاری به سود آن‌ها ناشی می‌شود. مجموعه این هنجارها به تعیین قواعد رفتاری می‌پردازد که نظم اجتماعی حداقلی را میان دولت‌های عضو به وجود می‌آورد.

۹. سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی، نقش برقراری اتحاد را در نظام بین‌المللی ایفا می‌کنند. این سازمان‌ها، رفتار دولت‌ها را به طور نسبی یکسان و از لحاظ ایدئولوژیکی آن‌ها را نسبت به ارزش‌هایی که اجتماع دولت‌ها پذیرفته‌اند (حقوق بشر، حق توسعه و...) متحد می‌سازند (گونل، ۱۳۹۴: ۲۸۴).



۳. طبقه‌بندی سازمان‌ها بر اساس نوع عضویت

۳-۱. سازمان‌های دولتی

۳-۱-۱. سازمان‌های جهانی

تعداد این سازمان‌ها پس از جنگ جهانی دوم جهانی رو به افزایش بوده و فعالیت آن‌ها متوجه زمینه‌های متعدد سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره بوده است. با توجه به ارتباطی که این سازمان‌ها با سازمان ملل متحد دارند، می‌توان آن‌ها را به دو گروه سازمان‌های وابسته به خانواده ملل متحد و سازمان‌های خارج از خانواده ملل متحد تقسیم کرد. سازمان‌های بین‌المللی جهانی وابسته به خانواده ملل متحد عبارتند از: (۱) سازمان‌های ارتباطی جهانی؛ (۲) سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی جهانی؛ (۳) سازمان‌های پولی و مالی جهانی؛ (۴) سازمان‌های تجاری و صنعتی جهانی؛ (۵) سازمان‌های آموزشی و پژوهشی جهانی.

۳-۱-۲. سازمان‌های منطقه‌ای

وضعیت و درماندگی سازمان‌های جهانی در حل مسائل بین‌المللی، کشورها را متوجه تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای نمود تا بتواند در کادر محدودتری، امنیت جمعی بهتر و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی مؤثرتر با یکدیگر داشته باشند. سازمان‌های منطقه‌ای را می‌توان از جهات مختلف گروه‌بندی کرد؛ ولی اهم آن‌ها به سه دسته محدود می‌شوند که عبارتند از: (۱) سازمان‌های اروپایی و منطقه آتلانتیک مانند اتحادیه اروپایی؛ (۲) سازمان‌های آمریکایی مانند سازمان کشورهای آمریکایی و سازمان کشورهای مرکزی؛ (۳) سازمان‌های آسیایی و آفریقایی مانند اتحادیه عرب، اتحادیه آفریقایی و ا.ک.و.

۳-۱-۳. سازمان‌های فرامنطقه‌ای

برخی از سازمان‌های بین‌المللی در حد میانی دو طبقه ذکر شده جهانی و منطقه‌ای قرار دارند؛ زیرا این سازمان‌ها را از یک سو نمی‌توان جهانی دانست و از سوی دیگر نیز منطقه‌ای نیستند. به عبارت دیگر، اعضای این سازمان‌ها از مناطق مختلف جهان گرد هم آمده‌اند و به همین علت، آن‌ها را باید سازمان‌های فرامنطقه‌ای نامید؛ مانند جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی و اوپک. اعضای این سازمان‌ها از مناطق و قاره‌های مختلف هستند و آن‌ها را نمی‌توان یک سازمان



منطقه‌ای تلقی کرد.

۲-۳. سازمان‌های غیر دولتی

۱-۲-۳. سازمان‌های غیر دولتی انتفاعی

شرکت‌های چندملیتی را می‌توان از مصادیق بازر سازمان‌های غیر دولتی انتفاعی به شمار آورد. این شرکت‌ها نقش بسیار پراهمیتی در زمینه تجارت بین‌المللی و حتی در سیاست بین‌المللی با تأثیرگذاری و نفوذ دولت‌ها ایفا می‌کنند.

۲-۲-۳. سازمان‌های غیر انتفاعی

یک سازمان غیر دولتی، شخصیت غیر انتفاعی است که اعضای آن شهروند یا مجموعه‌ای از شهروندان یک یا چند کشورند که نوع فعالیت آن به منظور پاسخ‌گویی به احتیاجات افراد جامعه و یا جوامعی که سازمان مذکور با آن همکاری می‌نماید، تعیین می‌شود (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۵).

۴. فرایند گسترش روابط افغانستان با سازمان‌های بین‌المللی

۱-۴. عضویت افغانستان در سازمان‌های جهانی

سیاست خارجی یک کشور تنها به شناسایی مناسبات سیاسی و یا بازنمودن سفارتخانه‌ها در کشورهای دیگر منحصر نمی‌شود. به بیان دیگر، پذیرش و میزبان سفارتخانه‌ها و یا نمایندگی‌های سیاسی، اقتصادی، تجارتي و فرهنگی، داشتن نمایندگی‌های سیاسی در سازمان‌های بین‌المللی، عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و امضای پیمان‌نامه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و یا الحاق در میثاق‌های بین‌المللی در سیاست خارجی و مناسبات سیاسی با منطقه و جهان لازم است ولی کافی نیست. به عبارت دیگر، سیاست خارجی کشورها بیش‌تر از تحکیم و برقراری حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی از نحوه حکومت‌داری، درجه ارتقای فرهنگی یعنی میزان بهره‌مندی از سواد و دانش عمومی در یک کشور، میزان پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، توانایی قدرت نظامی و میزان تعمیم دموکراسی، هوشیاری دیپلماسی، آشنایی به مسائل روابط بین‌المللی، آشنایی به اهداف، نحوه کارکرد و توانایی استفاده از سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای متأثر می‌شود. همکاری و عضویت کشور افغانستان با سایر کشورهای دوست و همسایه، جامعه

بین‌المللی، سازمان ملل متحد، سازمان‌های وابسته به سازمان ملل متحد، سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بانک جهانی و بانک‌های منطقه‌ای باید متکی بر اصول و معیارهای سیاست خارجی افغانستان با حفظ استقلال، تمام امضای توافق‌نامه‌ها، پیمان‌نامه‌های همکاری استراتژیک امنیتی و نظامی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محورهای اصلی و اساسی سیاست خارجی را در معادلات سیاسی منطقه‌ای و جهانی تشکیل بدهند؛ بنابراین، مبانی نظری چارچوب سیاست خارجی یک کشور عبارت است از: تأمین منافع ملی و دستیابی به فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از طریق عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های منطقه‌ای و سازمان‌های فرامنطقه‌ای. این مبانی در زمینه‌های مختلف برای گسترش روابط بین‌المللی سیاست خارجی با حفظ تمام معیارهای دیپلماتیک با سایر کشورها و سازمان‌های جهانی تشکیل می‌شود.

بنابراین، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بخشی از جامعه جهانی هستند که نقش عمده‌ای در ایجاد نظم جهانی و جهت‌دهی جامعه بشری در عرصه سیاسی خارجی و گسترش روابط میان دولت‌ها داشته‌اند. نهادهای بین‌المللی ایجادکننده مجراهای کارهای مشترک و حرکت اعضا بر مبنای ارزش‌ها و رویکردهای مشترک است. این امر در عرصه‌های گوناگون نهادهای بین‌المللی با دیدگاه مشخص ایجاد شده و زمینه‌ساز رسیدن اعضا به اهداف و منافع مشترک تعریف شده می‌باشد. سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در حلقه پنجم سیاست خارجی حکومت وحدت ملی افغانستان قرار دارد؛ بنابراین، ارتباطات و مناسبات با آن‌ها در تحقق دورنمای سیاسی خارجی دولت افغانستان مهم است؛ از این رو، حکومت همواره در کسب عضویت آن دسته از این نهادها بوده که می‌توانند در رسیدن افغانستان به اهداف توسعه‌ای تسهیل‌کننده باشند؛ بنابراین، افغانستان برای پیوستن به این سازمان‌ها توانسته معیارهای آنان را تکمیل نموده و ثمره کوشش افغانستان در این عرصه، عضویت در ۱۳ نهاد و سازمان بین‌المللی است که باعث تثبیت و تحکیم جایگاه افغانستان به عنوان یک کشور مستقل در عرصه بین‌المللی شده است.

۴-۱-۱. سازمان تجارت جهانی (WTO)

دولت جمهوری اسلامی افغانستان، بعد از تلاش‌های فراوان، سرانجام، به تاریخ ۲۶ قوس ۱۳۹۴ (۱۷ نوامبر ۲۰۱۵)، عضویت رسمی سازمان تجارت جهانی را به دست آورد. افغانستان در دهمین نشست وزیران اعضای این سازمان در شهر نایروبی، پایتخت کنیا، به گونه کامل



عضو این سازمان شد. افغانستان پیش از آن به حیث عضو ناظر این سازمان بود. سازمان تجارت جهانی، یک سازمان بین‌المللی است که قوانین جهانی تجارت را تنظیم و اختلافات بین اعضا را حل و فصل می‌کند. اعضای سازمان تجارت جهانی، کشورهای هستند که موافقت‌نامه‌های این سازمان را امضا کرده‌اند. مقر سازمان تجارت جهانی در جینوای سوئیس است و اکنون ۱۶۴ عضو دارد (تدوین‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۳۰۴). رفع مشکلات ترانزیتی افغانستان با کشورهای عضو این سازمان، صدور کالاها به کشورهای عضو بدون نیاز به موافقت‌نامه دوجانبه، افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و اثر مثبت بر رشد اقتصادی تا ۵،۲ درصد از مزایای عضویت افغانستان در این سازمان است.

۴-۱-۲. سازمان جهانی گمرکات (WCO)

افغانستان در ۱۹ قوس ۱۳۹۳ (۱۰ دسامبر ۲۰۱۴)، عضو سازمان جهانی گمرکات شد. این عضویت در پی امضای تعهدنامه کنواسیون «آروشا» به منظور حکومت‌داری خوب و مدرن‌سازی گمرکات با سازمان جهانی گمرک تحقق یافت. امضای این تعهدنامه می‌تواند حکومت را در زمینه رسیدن به اهدافی چون ایجاد تسهیلات تجارتي، تنجام اصلاحات و مبارزه با فساد اداری کمک کند. بر اساس این تعهدنامه، افغانستان در ده بخش رهبری و تعهد، چارچوب حقوقی، شفافیت، اتومات‌سازی، اصلاحات و مدرن‌ساختن، بررسی و تحقق، طرز سلوک، مدیریت منابع بشری، فرهنگ اداری و همچنین ارتباط مؤثر با سکتور خصوصی باید به سازمان جهانی گمرک پاسخ‌گو باشد. این سازمان ۱۸۲ عضو دارد که تلاش می‌کنند همانند زنجیر به هم وصل بوده و جزئی از اقتصاد جهانی باشند (تدوین‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۳۰۵).

۴-۱-۳. کمیسیون بین‌المللی بندهای بزرگ (ICOLD)

دولت افغانستان در دو سال اخیر با برنامه‌های منسجم بندسازی و مدیریت آب‌ها، توانست که معیارهای کمیسیون بین‌المللی بندهای بزرگ را تکمیل و در تاریخ ۱۶ سرطان ۱۳۹۶ (۷ جولای ۲۰۱۷)، عضویت آن را کسب نماید. در اعلامیه این کمیسیون آمده است: «افغانستان از دو سال به این سو با برنامه‌های منسجم بندسازی و مدیریت آب‌های افغانستان، برای عضویت در کمیسیون بین‌المللی بندهای بزرگ، معیارهای مورد نظر را کسب نموده و به این ترتیب، عضویت افغانستان در این کمیسیون علمی بین‌المللی تصویب است.» مرکز کمیسیون بین‌المللی بندهای بزرگ در



پاریس است. این کمیسیون ۲۵ کمیتهٔ تخنیکی دارد و اعضای آن را نمایندگان کشورهای عضو تشکیل می‌دهند. این نهاد بین‌المللی در سال ۱۹۲۸ میلادی ایجاد شده است. افغانستان با کسب عضویت این نهاد جهانی می‌تواند که از همکاری‌های تخنیکی و علمی لازم در بخش بندسازی بهره بگیرد. افغانستان می‌تواند با کسب عضویت کمیسیون بین‌المللی بندهای بزرگ، با توجه به مقررات و قوانین آن، در چوکات معیارهای بین‌المللی، آب‌ها و منابع آن را به درستی مدیریت کند (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۳۰۶).

۴-۱-۴. مرکز بین‌المللی انرژی قابل تجدید (IRENA)

منشور مرکز بین‌المللی انرژی قابل تجدید (IRENA) در ۲۶ جنوری ۲۰۰۹ تصویب شد. افغانستان این منشور را در سال ۲۰۰۹ به امضا رسانیده بود که پس از هفت سال، بالاخره روند الحاق افغانستان به حیث یک‌صد و پنجاهمین کشور عضو مرکز در ۲۸ عقرب ۱۳۹۵ (آگوست ۲۰۱۶) تکمیل شد. مرکز بین‌المللی انرژی قابل تجدید که مقر آن در شهر ابوظبی امارات متحدهٔ عربی است، اعضا را در دسترسی پایدار و مصون به انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی‌های آبی، آفتابی، بایو و بادی حمایت می‌کند تا رفاه و رشد اقتصادی پایدار و سازگار با محیط‌زیست در جهان تأمین شود. افغانستان با کسب عضویت این مرکز نه تنها از مساعدت‌های تخنیکی، مشورتی و توسعهٔ ظرفیت برای استفادهٔ بهینه از پتانسیل بالای انرژی قابل تجدید بهره‌مند خواهد شد؛ بلکه انتقال تکنولوژی در توسعهٔ انرژی قابل تجدید و سرمایه‌گذاری در این عرصه نیز در کشور تسهیل و تشویق خواهد شد.

۴-۱-۵. انجمن بین‌المللی آب (IWA)

هرچند افغانستان عضو رسمی کمیتهٔ بین‌المللی آب نیست، بر اساس پیشنهاد حکومت در چهارمین کنفرانس این انجمن در ترکیه (ثور ۱۳۹۶)، افغانستان می‌تواند به‌عنوان عضو غیر رسمی این کمیته در نشست‌های آن حاضر شود. تمرکز این نهاد بین‌المللی بیش‌تر روی آب‌های فرامرزی در سطح دنیا است که به حمایت شورای امنیت ملل متحد به فعالیت‌هایش ادامه می‌دهد (ترتیب‌کنندگان، ۳۰۷).



۴-۱-۶. حکومت‌داری شهری جهان (GC)

دولت افغانستان پس از تلاش‌های زیاد در ایجاد پالیسی‌های مشخص مسکن‌سازی و توسعه شهری در کشور و انجام ده‌ها فعالیت دیگر، توانست در ۱۸ ثور ۱۳۹۶ (۸ می ۲۰۱۷)، عضویت شورای عالی حکومت‌داری شهری جهان را با اکثریت آرا از سوی کشورهای عضو به دست آورد. شورای عالی حکومت‌داری شهری جهان همسو با بخش اسکان بشر سازمان ملل متحد می‌باشد. این شورا ۵۸ عضو فعال دارد که توسط کمیته اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد تعیین می‌شوند. شریک‌ساختن برنامه‌های سکتور شهری با دونه‌ها، مسیر دادن برنامه‌های هیئات، اتصال شهری افغانستان با سایر ممالک عضو و ممالک اشتراک‌کننده و امضای تفاهم‌نامه‌های همکاری‌های دوجانبه، مانند تفاهم‌نامه با بخش اسکان بشر ملل متحد، از دیگر سودمندی‌های عضویت افغانستان در این شورا است.

۴-۱-۷. شورای حقوق بشر ملل متحد (UNHRC)

به طور کلی، ۱۳۰ عضو شورای حقوق بشر ملل متحد در نشست ۲۴ میزان ۱۳۹۶ (۱۶ اکتوبر ۲۰۱۷) خویش، به عضویت افغانستان در این شورا رأی تأیید دادند. شش کشور نیپال، پاکستان، مالدیف، قطر، مالیزیا و فیجی برای احراز یکی از چهار کرسی در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با افغانستان رقابت می‌کردند که سرانجام، افغانستان در انتخابات برنده است. باید گفت که دستاوردهای افغانستان از جمله انفاذ قانون منع شکنجه، قانون حمایت از کودکان، نهایی‌سازی کد جزای افغانستان، ایجاد سارنوالی منع خشونت علیه زنان در ولایات، گزینش اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی و برنامه توانمندسازی زنان در روند تلاش‌های افغانستان به خاطر عضویت در شورای حقوق بشر ملل متحد تأثیرگذار بوده است (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۳۰۹).

۴-۱-۸. مشارکت دولت‌داری باز (OGP)

مشارکت دولت‌داری باز (open Government Partnership) یک ابتکار بین‌المللی است که در ۲۰ سپتامبر سال ۲۰۱۱ توسط کشورهای برازیل، اندونیزیا، مکزیک، ناروی، فلیپین، آفریقای جنوبی، انگلستان و ایالت متحده آمریکا آغاز شده است. این حرکت بین‌المللی از سوی یک کمیته متشکل از نمایندگان دولت‌ها و ارگان‌های غیر دولتی رهبری می‌شود. تا کنون ۷۵ کشور



توانسته عضویت مشارکت دولت داری باز را کسب کنند. عضویت در مشارکت دولت داری باز چهار معیار دارد: شفافیت مالی، دسترسی به اطلاعات، ثبت و نشر دارایی‌های مأموران خدمات عامه و مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها. افغانستان توانست با تکمیل ۸۸ درصد معیارها، عضویت مشارکت دولت داری باز را در تاریخ ۱۸ قوس ۱۳۹۵ (۸ دسامبر ۲۰۱۶) کسب نماید. حکومت برنامه عمل ملی را در مشارکت نهادهای مدنی شامل ۱۰-۱ تعهد تدوین نموده و آن را تطبیق خواهد کرد.

۹-۱-۴. سازمان جهانی حکومت داری الکترونیک (WEGO)

شاروالی کابل برای اولین بار در چهارمین نشست سازمان ویگو که در روسیه به تاریخ ۶ سرطان ۱۳۹۶ (۲۷ جون ۲۰۱۷) برگزار شد، توانست عضویت این سازمان را کسب کند. سازمان جهانی حکومت داری الکترونیک شامل ۱۱۲ شهر و ۵ انستیتوت تکنالوژی معلوماتی و مخابراتی است. دفتر مرکزی آن در کوریای جنوبی در شهر سئول و دفاتر منطقه‌ای آن در چین و روسیه می‌باشد. این سازمان در راستای بهبود زندگی شهروندان با بهره‌گیری از حکومت داری الکترونیک و تکنالوژی معلوماتی فعالیت دارد (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۳۱۰).

۱۰-۱-۴. شورای بین‌المللی کرکت (ICC)

تیم ملی کرکت کشور با کسب موفقیت‌های چشم‌گیر در سال‌های اخیر، توانست در یکم سرطان ۱۳۹۶ (۲۲ جون ۲۰۱۷)، به شورای بین‌المللی کرکت راه پیدا کند که در نتیجه آن می‌تواند در بازی‌های «تست کرکت» شرکت کند. شورای جهانی کرکت در لندن برای دریافت عضویت دائمی افغانستان و ایرلند صندوق گذاشت و اعضای این شورا به اتفاق آرا به این دو کشور رأی تأیید دادند. اکنون تعداد کشورهایی که در سطح بالای کرکت بین‌المللی باهم رقابت می‌کنند، به ۱۲ کشور می‌رسد. در ۱۷ سال گذشته، این نخستین بار است که دو کشور تازه به این شورا راه می‌یابند. با عضویت در این شورا، افغانستان طی ۸ سال آینده، کمک سالانه‌ای معادل ۲,۴ میلیون دالر از شورای جهانی دریافت خواهد کرد.

۱۱-۱-۴. فدراسیون بین‌المللی اسکی (ISF)

عضویت افغانستان در فدراسیون بین‌المللی اسکی در پنجاهمین کنگره بین‌المللی اسکی در



شهر «کاتکون» مکزیک به تاریخ ۲۱ جوزا ۱۳۹۵ (۱۰ جون ۲۰۱۶) به تصویب رسید. فدراسیون بین‌المللی اسکی که مرکز آن در سوئیس است، مهم‌ترین نهاد ناظر برگزاری مسابقات زمستانی در جهان است. در حال حاضر، این فدراسیون ۱۱۸ کشور عضو دارد. ولایت کوهستانی بامیان در سال‌های اخیر شاهد برگزاری چندین مسابقه اسکی با اشتراک ورزش‌کاران افغان و خارجی بوده است. در ماه مارچ سال ۲۰۱۶، ششمین دور مسابقات اسکی افغانستان با حضور اسکی‌بازان داخلی و خارجی در این ولایت برگزار شد. این مسابقات هر ساله در دامنه‌های کوه بابا در مرکز ولایت بامیان، با حمایت نهادهای بین‌المللی، برگزار می‌شود (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۳۱۱).

۴-۲. افغانستان و همکاری‌های منطقه‌ای

با توجه به این‌که سیاست داخلی افغانستان در چهل سال گذشته به شدت متأثر از سیاست خارجی آن بوده است، با روی‌کارآمدن حکومت وحدت ملی، تلاش صورت گرفت تا با درنظرداشت منافع ملی، منطقه‌ای و جهانی، این بخش از سیاست حکومت در محور استقلال و حاکمیت ملی از نو تعریف شود. رئیس‌جمهور محمدآشرف غنی با درک شرایط و به منظور این‌که سیاست خارجی افغانستان از یک مبنای دقیق با معیارهای دیپلماسی بین‌المللی برخوردار شود، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را در پنج حلقه تقسیم و بیان نمود که «هدف سیاست خارجی ما ایجاد بستر مساعد برای همکاری بین این دولت‌ها، سازمان‌ها، قدرت‌ها و شبکه‌ها است.» یکی از اهداف سیاست خارجی افغانستان، برگرداندن جایگاه و عزت کشور در نظام بین‌الملل است. اکنون تلاش‌های وسیعی در این حوزه صورت می‌گیرد و این امر به یکی از اولویت‌های دستگاه سیاست خارجی مبدل شده است. در بخش سیاست خارجی به دستاوردها و موقعیت‌های حکومت وحدت ملی در مورد اهداف مشخص شده، توجه گردیده و به مهم‌ترین موارد - از جمله مبارزه با تروریسم، جلب کمک‌های بین‌المللی، تثبیت موقعیت جئواکونومیک و جئوپولیتیک افغانستان، گسترش روابط با کشورهای منطقه و جهان در بخش‌های مختلف و... - اشاره کرد.

۴-۲-۱. کنفرانس همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای برای افغانستان (RECCA)

کنفرانس همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای برای افغانستان (RECCA) یک سازوکار همکاری منطقه‌ای با محوریت اقتصادی است که دور اول آن با ابتکار و رهبری افغانستان در تاریخ ۴ و ۵



دسامبر سال ۲۰۰۵ در کابل برگزار شد و تا سال ۲۰۱۲ پنج اجلاس آن دایر شده است. گسترش همکاری اقتصادی منطقه‌ای و جلب توجه بیشتر کشورهای منطقه برای تکشاف اقتصادی افغانستان از طریق کنفرانس‌های ریکا پیگیری می‌شود که زمینه‌ساز یک افغانستان برخوردار از ثبات اقتصادی نیز به شمار می‌آید. از این طریق، افغانستان تبدیل به چهارراه مهم تجارتي میان کشورهای جنوب آسیا و آسیای مرکزی خواهد شد (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۴۵).

۴-۲-۲. قلب آسیا؛ پروسه استانبول

به منظور دستیابی به منفعت اقتصادی جمعی، به ابتکار افغانستان، پروسه استانبول یا قلب آسیا نیز شکل گرفته است که عمده‌ترین هدف این پروسه، تقویت دیپلماسی همکاری میان کشورهای تأییدکننده تدابیر اعتمادسازی با حمایت قدرت‌های منطقه‌ای است. این پروسه دارای شش تدبیر اعتمادسازی در مبارزه با تروریسم، مبارزه با مواد مخدر، مدیریت حوادث طبیعی، تجارت و سرمایه‌گذاری، زیرساخت‌های منطقه‌ای و تعلیم و تربیه است. کشورهای شامل این پروسه افغانستان، آذربایجان، چین، هند، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، روسیه، عربستان سعودی، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان و امارات متحده عربی است.

۴-۲-۳. سازمان همکاری اسلامی

سازمان همکاری کشورهای اسلامی از آن‌جا اهمیت پیدا می‌کند که بخشی از جنگ‌های افغانستان خاستگاه ایدئولوژیکی دارد. این سازمان که پس از سازمان ملل متحد بزرگ‌ترین سازمان جهانی است، می‌تواند در رفع و فسخ اختلافات عمدتاً مذهبی و منطقه‌ای نقش مؤثری ایفا کند؛ زیرا فلسفه وجودی این سازمان، صدای جمعی جهان اسلام و تضمین برای حفاظت و حمایت از منافع جهان اسلام در روح ترویج صلح بین‌المللی و هماهنگی میان افراد مختلف جهان است. در سیزدهمین اجلاس سازمان همکاری اسلامی که در ترکیه برگزار شد، هیأتی از افغانستان در آن اشتراک کرد و تلاش‌های لازم را برای جلب حمایت کشورهای اسلامی از حکومت وحدت ملی، آوردن صلح و امنیت و مبارزه با تروریسم انجام داد. این اجلاس با شعار نفی فرقه‌گرایی، تبعیض نژادی و تروریسم دایر یافته بود و در بیانیه پایانی به ریشه‌کنی طرح‌های فرقه‌ای و مذهبی با هشدار در مورد آثار منفی آن تأکید کرده است (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۷۲).



۴-۲-۴. سازمان همکاری‌های جنوب آسیا (سارک)

سارک یکی از پنج تشکل بزرگ منطقه‌ای در قاره آسیا است که در راستای تسهیل همکاری‌های تجاری و تحکیم همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه جنوب آسیا ایجاد شده است. افغانستان در سال ۲۰۰۵ عضویت این سازمان را کسب کرد. فلسفه و هدف اصلی سارک اقتصادی بوده؛ اما همکاری‌های سیاسی و امنیتی نیز در اولویت این سازمان شامل می‌باشند. هدف اصلی این سازمان، گسترش همکاری‌های اقتصادی و تسهیل روابط تجاری در منطقه اما در درازمدت کمک به روند همگرایی منطقه‌ای می‌باشد.

موج گریزناپذیر جهانی‌شدن و رشد روندهای همگرایی در جهان، همگرایی در سیاست و اقتصاد را به امر اجتناب‌ناپذیر در سیاست و اقتصاد بین‌الملل بدل کرده و هیچ کشوری نمی‌تواند در درون مرزهای ملی و جغرافیایی خود را محدود کرده و از روندهای همگرایی در منطقه خود را تجرید کند. پیوستن یا ایجاد روندهای همگرایی در سیاست و اقتصاد بین‌الملل، از الزامات اساسی حیثیت و موقعیت سیاست و اقتصاد دولت‌ها بوده و نمی‌توان به صورت تجریدی و جدا افتاده از روندهای همگرایی در منطقه، به اقتصاد پویا و سیاست فعال دست یافت. امروزه، عضویت در اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی، از ملزومات اساسی توسعه و پیشرفت است و محکی برای سنجش منزلت بین‌المللی و قدرت ملی کشورها به شمار می‌رود. افغانستان نیز قطعاً مشمول همین قاعده بوده و بلکه بیش از سایرین نیاز به همگرایی‌های منطقه‌ای و پیوستن به اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای دارد. وابستگی شدید اقتصادی و تجارت افغانستان به خارج و عدم دسترسی به آب‌های بین‌المللی و مسیرهای دشوار و بی‌ثبات انتقال کالا به افغانستان، از مسائل اصلی اقتصاد و تجارت افغانستان می‌باشند (اطلاعات روز، ۱۳۹۳).

۴-۲-۵. سازمان همکاری اقتصادی (اگو)

سازمان اگو، سازمان همکاری فرهنگی و اقتصادی منطقه‌ای بوده که یکی از تأثیرگذارترین سازمان‌ها بر اقتصاد و فرهنگ در منطقه می‌باشد. شناخت دقیق از فرصت‌های افغانستان در اگو، نیازمند بررسی و شناخت درست اگو، به‌خصوص توانای‌های اگو، در حوزه همکاری اقتصادی فرهنگی می‌باشد که در این نوشتار به صورت اجمال بدان پرداخته شده و نقش و تأثیر آن بر افغانستان به بررسی گرفته شده است.



در هزاره سوم، آهنگ جهانی شدن پرشتاب‌تر از گذشته نواخته می‌شود و در این هنگام، اقتصادهای ملی برای ماندن و آمادگی در میدان رقابت جهانی، خود را مجبور به گروه‌بندی‌های منطقه‌ای می‌دیدند. از آن‌جا که کشورها به تنهایی توانایی تولیدات همه‌گیر را نداشتند، برای دستیابی به آرمان‌هایی که بدون همکاری گروهی امکان‌پذیر نبود، تلاش صورت گرفت تا با تشکیل سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای، موجب رونق اقتصادی خود و تکمیل چرخه تولیدی در یک منطقه از جهان شوند. با ایجاد چنین اتحادیه‌هایی در سطح جهانی بود که در حاشیه اقتصاد، مسائل فرهنگی و سیاسی نیز داخل لایحه وظایف این مجموعه‌ها شد و به آن‌ها علاوه بر بعد اقتصادی، جنبه سیاسی و فرهنگی نیز اضافه شد که نمونه این مسئله را می‌توان در دو نهاد اتحادیه اروپا و «آ. سه. آن» به خوبی مشاهده کرد.

فعالیت «آر. سی. دی» بنا بر عوامل گوناگون، از جمله انقلاب ایران، به حالت تعلیق درآمد. در سال ۱۹۸۵، هر سه کشور عضو یکبار دیگر با گرایش بیش‌تر به همکاری، اکو را با هدف پیگیری همکاری‌های جدید و چندجانبه در عرصه اقتصادی و فرهنگی «آر. سی. دی» برپا کردند.

فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۱۹۹۱ در منطقه اکو و گرایش کشورهای پیش‌تر کمونیست در آسیای جنوب‌شرقی به همکاری‌های منطقه‌ای با جهان سرمایه‌داری، به گسترش اکو انجامید. در این فرایند، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، افغانستان و ترکمنستان به عضویت اکو درآمدند (احمدی، ۱۳۹۰: ۳).

۴-۲-۶. اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع مخابرات (RCC)

دولت افغانستان از ثور ۱۳۹۵ (ماه می ۲۰۱۶) به‌گونه رسمی عضو اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع مخابرات (RCC) شد و وزیر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی افغانستان عضو بورد رؤسای این اتحادیه شد. عضویت در RCC و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یکی از اهداف افغانستان می‌باشد تا ارائه خدمات مخابراتی و اینترنتی در کشور بهبود یافته و در درآمدت، افغانستان مبدل به دهلیز ترانزیت دیتا به جنوب آسیا و آسیای مرکزی شود. با تحقق این امر، افغانستان نقش تاریخی‌اش را در قالب راه دیجیتالی ابریشم احیا خواهد کرد (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۳۰۸).



۴-۲-۷. بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا (AIIB)

بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا، یک مؤسسه مالی بین‌المللی است که به پیشنهاد چین تأسیس شده است. هدف این نهاد، توسعه چندجانبه و تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی در منطقه آسیا است. افغانستان در ۵ حمل ۱۳۹۶ (۲۵ مارچ ۲۰۱۷) عضو این بانک شد. الحاق افغانستان به بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا، همکاری منطقه‌ای در جهت حفظ رشد و توسعه انکشاف اقتصادی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. پیوستن دولت افغانستان به این بانک، استقامت منطقه‌ای در مواجهه با بحران‌های مالی، انکشاف اجتماعی و تمویل پروژه‌های زیربنایی را نیز برای کشور در قبال دارد.

۴-۲-۸. سازمان همکاری‌های شانگهای

سازمان همکاری‌های شانگهای در سال ۱۹۹۶ به منظور خلع سلاح‌سازی مرزها، به‌خصوص مرزهای آسیای میانه و چین، به میان آمده است. در آن زمان، روسیه، چین، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان پنج عضو اصلی این سازمان بودند. ازبکستان در سال ۲۰۰۱ میلادی به طور رسمی، ششمین عضو این سازمان شد. اهداف اصلی ایجاد همکاری‌های شانگهای، اعتماد متقابل میان دولت‌های عضو، همکاری‌های مؤثر، صلح، ثبات و امنیت منطقه‌ای و به میان‌آوردن یک نظام جدید اقتصادی و سیاسی در جهان می‌باشد. هم‌اکنون کشورهای روسیه، چین، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، هند و پاکستان اعضای دایمی این سازمان هستند و افغانستان، بلاروس، ایران و مغولستان نیز اعضای ناظر این سازمان‌اند. پس از به‌وجود آمدن داعش و افزایش تروریسم در افغانستان، سازمان همکاری‌های شانگهای تصمیم گرفت تا افغانستان را به‌صورت مستقیم در سال ۲۰۱۲ از کشورهای تحت بررسی این سازمان به عضو ناظر تبدیل کند که هم‌مرز بودن با آسیای میانه از عمده‌ترین دلایل آن است (هشت صبح، ۱۳۹۷).

۴-۳. گستره همکاری افغانستان با سازمان‌های فرامنطقه‌ای

در دنیای امروز، به منظور رفع نیازهای توسعه‌ای کشورها و احیای جایگاه و حفظ سیاست سالم خارجی آن، نمی‌توان از معادلات سیاسی و امنیتی جهان دوری جست. بدیهی است که افغانستان با موقعیت خاصی که دارد، بدون ارتباط با ساختارهای جهانی نیست؛ پس در چنین جهان درهم‌تنیده‌ای، افغانستان می‌خواهد ضمن بهره‌مندی از امکانات و ظرفیت‌های بین‌المللی



برای رفع نیازهای خود، به‌عنوان یک عضو برجسته و پویای بین‌المللی نیز نقش ایفا کند. رشد تکنالوژی و روابط خارجی گسترده، کشورها را بیش از پیش به هم وابسته ساخته و در این میان، جهانی‌شدن تهدیدها نیز به ضلع روابط کشورها مبدل گردیده است که مبارزه در این کارزار بدون همکاری و همیاری بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، با استناد با چنین منطق روشن، افغانستان ارتباط با کشورهایی را که کانون ثروت، قدرت و دانش است، در حلقه سوم سیاست خارجی خود قرار داده است که در مبحث گستره سیاست فرامنطقه‌ای دولت افغانستان به آن اشاره می‌کنیم.

۴-۳-۱. جلب حمایت‌های سیاسی - امنیتی فرامنطقه‌ای

عدم تعریف سیاست خارجی افغانستان، عدم مبارزه با فساد اداری، نبود حکومت‌داری خوب و ده‌ها مشکل دیگر، افغانستان را در خطر منزوی‌شدن و از دست‌دادن حامیانش قرار داده بود؛ اما با روی کارآمدن حکومت وحدت ملی، طرح و برنامه‌هایی تدوین و تنظیم شد و تلاش‌های سیاسی فراوانی در هر سطح صورت گرفت که نتیجه آن، تغییر ذهنیت نسبت به تروریسم، حامیان تروریسم و همراهی با افغانستان در سطح بین‌المللی است. با بررسی کنفرانس‌های بروکسل، وارسا و لندن و همچنین اعلام استراتژی جدید آمریکا در قبال افغانستان و آسیای جنوبی، می‌توان ماحصل عملکرد حکومت وحدت ملی را در جلب توجه و تغییر ذهنیت کشورهای تأثیرگذار به دست آورد (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۷۵).

۴-۳-۱-۱. همکاری‌های سیاسی فرامنطقه‌ای

عمده‌ترین و مهم‌ترین نشست همکاری‌های سیاسی فرامنطقه‌ای دولت افغانستان با سایر کشورهای فرامنطقه‌ای را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد: (۱) پشتیبانی بین‌المللی از افغانستان در کنفرانس وارسا و بروکسل؛ (۱) شروع نشست‌های چهارجانبه درباره روند صلح با عضویت چین، آمریکا، پاکستان و افغانستان؛ (۳) پشتیبانی بلندمدت ناتو از افغانستان؛ (۴) تمدید مأموریت سیاسی سازمان ملل متحد در افغانستان و حمایتش از دولت؛ (۶) همکاری بلندمدت اتحادیه اروپا با افغانستان و امضای چندین موافقت‌نامه و حمایت سازمان همکاری اسلامی از افغانستان؛ (۷) حمایت ناتو در نشست وارسا از نقش پروسه استانبول در حمایت از منطقه قلب آسیا؛ (۸) برگزاری نشست چهارم VGG+ در کابل به منظور به اشتراک گذاشتن تجارب در زمینه حکومت‌داری



و توسعه اقتصادی در میان کشورهای مرتبط.

۴-۳-۱-۲. نشست همکاری‌های امنیتی فرامنطقه‌ای

در بعد همکاری‌های امنیتی، مهم‌ترین نشستی که برگزار شد، نشست وارسا بود که رئیس‌جمهور محمد اشرف غنی در آن سخنرانی و دیدگاه افغانستان را درباره مسائل مختلف، به‌خصوص در امر مبارزه با تروریسم، بیان کرد و در حاشیه این نشست با سران و مقامات عالی‌رتبه کشورهای عضو ناتو به‌طور جداگانه دیدار نمود. نکات عمده دستاورد نشست‌ها در همکاری‌های امنیتی فرامنطقه‌ای به شرح زیر است: (۱) تمدید مأموریت حمایت قاطع؛ (۲) حمایت از رهبری افغان‌ها در پرونده صلح؛ (۳) تداوم همکاری‌های کشورهای هدف حمایت مالی قوای امنیتی و دفاعی افغانستان تا پایان سال ۲۰۲۰؛ (۴) تعهد کمک ۳۵۰ میلیون دلاری کانادا در نشست لندن به نیروهای امنیتی و تعهد کمک ۱۷۰ میلیون دلاری این کشور در دیدار رئیس‌جمهور دکتر محمد اشرف غنی و صدراعظم کانادا؛ (۵) تعهد ادامه کمک‌های استرالیا در چوکات مأموریت حمایت قاطع با هدف تمویل و تجهیز نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان تا سال ۲۰۲۰ (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۷۷).

۴-۳-۱-۳. کنفرانس لندن

نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس افغانستان در لندن (۴ دسامبر ۲۰۱۴) تعهد کردند که به افغانستان در بخش‌های مختلف حمایت مالی خواهند کرد. محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور، با سخنرانی در این نشست، کشورهای کمک‌کننده به افغانستان را متقاعد ساخت که افغانستان در حال تغییر است و حکومت وحدت ملی در راستای مبارزه با فساد، انکشاف اقتصادی، ظرفیت‌سازی و ... تعهدات خود را عملی می‌کند. محمد اشرف غنی با اشاره به مبارزه جدی با فساد گفت: «حالا نیاز نیست که دوستان بین‌المللی از موجودیت فساد یادآوری کنند؛ زیرا اکنون ما خود برای مبارزه با فساد متعهد هستیم.» بنابراین، این نشست تغییر مثبتی را در رویکرد جامعه جهانی به وجود آورد و آن‌ها یکبار دیگر متعهد شدند که در صورت تغییرات در حکومت‌داری، کمک‌های‌شان را دوام دهند (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۷۸).

۴-۳-۱-۴. اعلام استراتژی آمریکا در قبال افغانستان و آسیای جنوبی

به‌طور کلی، با اعلام حمایت استراتژی دولت ترامپ در قبال افغانستان و آسیای جنوبی، تحلیل‌ها را در مورد جایگاه افغانستان در سیاست خارجی ایالات متحده به سمت درست آن



هدایت داد. دولت افغانستان با ذکر این موضوع در اعلامیه مطبوعاتی در مورد اعلام استراتژی دولت ترامپ، تطبیق این استراتژی را فرصتی برای کار مشترک کشورهای منطقه جهت رسیدن به اهداف مشترک در عرصه صلح و رفاه خواند. این استراتژی، ابتکارات افغانستان را به شمول «پروسه کابل» که در جهت شامل ساختن کشورهای منطقه در به دوش کشیدن پار مسئولیت‌های امنیتی به صورت مشترک می‌باشد، تقویت می‌سازد. این استراتژی‌ها عبارتند از: ۱) سربازان آمریکایی در افغانستان برای جلوگیری از قدرت گرفتن مخالفان افزایش می‌یابند؛ ۲) تعداد نظامیان آمریکایی در افغانستان بر اساس شرایط این کشور تعیین خواهد شد؛ ۳) نیروهای امنیتی افغانستان باید تقویت شوند؛ ۴) ارقام عساکر و پلان‌ها و تقسیم اوقات عملیات نظامی اعلام نخواهد شد؛ ۵) ایالات متحده آمریکا به همکاری با دولت افغانستان ادامه می‌دهد؛ اما تعیین سرنوشت این کشور در اختیار مردم افغانستان بوده و در راستای ایجاد صلح پایدار باید فعالیت صورت بگیرد؛ ۶) ایالات متحده آمریکا نمی‌تواند در قبال حضور گروه‌هایی مانند طالبان در پاکستان ساکت بماند.

۴-۳-۱-۵. سفر هیأت شورای امنیت ملل متحد به کابل

در راستای سیاست فعال خارجی حکومت و در امتداد استراتژی جدید ایالات متحده آمریکا، هیأت بلندپایه از شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۵ جدی ۱۳۹۶ به کابل سفر و با رئیس جمهور، رئیس اجرایی و مقامات ارشد حکومت دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدارها، روی اوضاع امنیتی افغانستان و منطقه، همکاری‌های منطقه‌ای، مبارزه با پدیده‌های تروریسم، فساد اداری، مواد مخدر و قاچاق آن، تسریع پروسه صلح، آمادگی‌ها برای انتخابات، اصلاحات در عرصه حکومت‌داری، تقویت نظام، مشارکت زنان، نقش سازمان ملل متحد در افغانستان، به‌خصوص در زمینه‌های امنیتی و تکشافی و روی مجموع پیشرفت‌ها طی سه سال اخیر، بحث و تبادل نظر شد (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۷۹).

۴-۳-۲. جلب حمایت اقتصادی کشورهای فرامنطقه‌ای

حمایت‌های اقتصادی از کشور توسط کشورهای فرامنطقه‌ای در قالب کنفرانس بروکسل و نشست لندن صورت گرفته است.



۴-۳-۲-۱. کنفرانس بروکسل

کنفرانس بروکسل برای افغانستان زیر عنوان «مشارکت برای آبادانی و صلح» در پایتخت بلجیم با حضور هیأت عالی‌رتبه افغانستان به ریاست محمداشرف غنی، رئیس جمهور، نمایندگان ۷۵ کشور و ۳۰ نهاد و سازمان بین‌المللی به شمول «بان کی‌مون»، سرمنشی سازمان ملل متحد، در ۱۳ و ۱۴ میزان ۱۳۹۵ (۴ و ۵ اکتوبر ۲۰۱۶) تدویر یافت. در این نشست، تعهدات مهمی در خصوص افغانستان صورت گرفت که عبارتند از: (۱) تعهد ۲، ۱۵ میلیارد دلر از سوی کشورهای اشتراک‌کننده به افغانستان برای چهار سال؛ (۲) برگزاری نشست «همگرایی منطقه‌ای و آبادانی» که از برنامه‌های کنفرانس بروکسل بود و با حضور نمایندگان چندین کشور و ۱۱ سازمان بین‌المللی تدویر یافته بود؛ (۳) مبارزه مشترک علیه تروریسم به‌عنوان تهدید مشترک؛ (۴) کمک ۲۰۰ میلیون یورو از طرف اتحادیه اروپا در زمینه‌های پالیسی عامه، چارچوب اقتصاد کلان، مدیریت مالی، شفافیت بودجه‌ای و سایر عرصه‌ها در ربع اول سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸؛ (۵) تعهد کمک ۳۲۰ میلیون دلری استرالیا به افغانستان (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۸۱).

۴-۳-۲-۲. نشست لندن برای افغانستان

نشست لندن در ۱۳ قوس ۱۳۹۳ (۴ دسامبر ۲۰۱۶) برگزار شد. در این نشست، ۵۰ کشور و ۱۵ سازمان بین‌المللی اشتراک داشتند و روی کمک‌های غیر نظامی به افغانستان گفت‌وگو کردند. برآیند این نشست عبارت است از: (۱) در مجموع ۱۶ میلیارد دلر کمک به افغانستان تعهد شد؛ (۲) چین در کنار کمک ۲ میلیارد یوان تا سال ۲۰۱۶ میلادی، سالیانه ۵۰۰ بورسیه تحصیلی را در دسترس محصلین افغانستان قرار می‌دهد و در ضمن پروژه‌های انتقال انرژی و استخراج معادن افغانستان را سرعت می‌بخشد؛ (۳) دولت آمریکا تسهیلات ویژه در اختیار تجار، محصلین و شهروندان افغانستان قرار می‌دهد و اجازه نخواهد داد که افغانستان باز دیگر به پناهگاه امن تروریستان تبدیل شود؛ (۴) روسیه در آموزش اردوی ملی سهم می‌گیرد؛ (۵) بریتانیا در قبال خروج سربازانش از افغانستان در زمینه‌های آموزش و حمایت مالی با افغانستان همکاری می‌کند (ترتیب‌کنندگان، ۱۳۹۶: ۸۲).

نتیجه‌گیری

مفهوم حاکمیت حکومت‌ها و دولت‌ها، در نظریه حقوقی و سیاسی کلاسیک، به معنای

عالی‌ترین اقتدار در دولت است که ممکن است در یک فرد مانند پادشاه مطلقه و یا در مجمعی از افراد مانند پارلمان تجلی یابد. به عبارت دیگر، مفهوم حاکمیت دولت‌ها در دنیای جدید نظام سیاسی جهانی و علم سیاست، ماهیت و مفاهیمی مانند قدرت و اقتدار، مشروعیت نظام سیاسی، سیاست خارجی، روابط بین‌الملل و گستره فعالیت دولت‌ها با سایر دولت‌ها و هم‌چنان فرایند عضویت دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، برای توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بازتعریف می‌شود و یکی از مهم‌ترین مسائلی است که دولت‌ها برای دستیابی به آن، همه امکانات خویش را به کار می‌تدازد. فرایند عضویت و گسترش روابط و همکاری دولت‌ها با سازمان‌های بین‌المللی در عرصه‌های تأمین امنیت و ثبات، استقرار صلح، مبارزه با گروه‌های افراطی و تروریستی، کاهش فقر و همکاری‌های اقتصادی، وابستگی و نیازمندی‌های دولت‌ها را به سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بیش از پیش در حوزه اقتصاد و سیاست ضروری ساخته است؛ بنابراین، تحلیل، تفسیر و تبیین از همکاری و عضویت دولت‌ها با سازمان‌های بین‌المللی، موضوع اصلی اقتصاد سیاسی به مفهوم جدید است که مورد علاقه علم سیاست و علم اقتصاد هر دو است. به صورت دقیق‌تر، اقتصاد سیاسی در پی فهم روابط متقابل میان نیروهای سیاسی و اقتصادی و تأثیر آن روابط بر تشکیل سیاست‌های اقتصادی است. توفیق حکومت از لحاظ سیاست‌های اقتصادی بر مشروعیت و احتمال انتخاب مجدد آن می‌افزاید. به عبارت دیگر، در ادبیات حقیقی موجود، استدلال می‌شود که محبوبیت و مشروعیت حکومت‌های منتخب متأثر از شاخص‌های عمده اقتصادی مانند تورم، بیکاری، عدم تراز پرداخت‌ها و غیره است. فرایند گسترش و عضویت دولت‌ها در سیاست خارجی در عرصه‌های روابط بین‌الملل کشورهای عضو سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، معلول و استنتاج وابستگی دولت‌ها با دولت‌های دیگر، بیانگر جهانی‌شدن و نظم نوین جهانی در حوزه زیست نظام سیاسی بین‌الملل و همکاری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، یکی دیگر از مسائل عمده بحث در این باره است که تا چه اندازه اوضاع اقتصادی کشورها نتیجه سیاست‌گذاری دولت و تا چه اندازه نتیجه عوامل کنترل‌ناپذیری مثل بازار جهانی است. دولت افغانستان با همه چالش‌ها و موانع داخلی و خارجی که در مسیر توسعه و گسترش سیاست خارجی با دولت‌های دیگر وجود داشت، در سال‌های اخیر توانست عضویت سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را برای دستیابی به امنیت و ثبات سیاسی، استقرار صلح، مبارزه با گروه‌های تروریستی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، کاهش فقر و مهاجرت‌های ناشی از ناامنی و بیکاری و رعایت قوانین



بین‌المللی کسب کند و گام‌های مؤثری را نیز در این راستا برداشته است. در دنیای کنونی و نظام نوین سیاسی، به منظور رفع نیازهای توسعه‌ای همه کشورهای و احیای جایگاه و حفظ آن در عرصه سیاست خارجی، نمی‌توان از مناسبات و معادلات سیاسی-امنیتی جهان دوری و کناره‌گیری کرد. بدیهی است که افغانستان با موقعیت ژئوپولیتیک خاصی که دارد، بدون ارتباط با ساختارهای جهانی نیست؛ پس در چنین جهانی درهم‌تنیده‌ای، دولت افغانستان می‌خواهد ضمن بهره‌مندی از امکانات و ظرفیت‌های بین‌المللی برای رفع نیازهای خود به‌عنوان یک عضو برجسته و پویای بین‌المللی نیز نقش ایفا کند. از سوی دیگر، رشد تکنالوژی و روابط گسترده اقتصادی، کشورها را بیش از پیش به هم وابسته ساخته و در این میان، جهانی شدن تهدیدها نیز به یک ضلع روابط کشورها مبدل گردیده است که مبارزه در این کارزار بدون همکاری و همیاری دولت‌های دیگر و سازمان‌های بین‌المللی، امکان‌پذیر نیست.

منابع

۱. بشیریه، حسین (۱۳۸۵)، آموزش دانش سیاسی، تهران، مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر، چاپ ششم.
۲. ترتیب‌کنندگان (۱۳۹۶)، نگاهی به دستاوردهای سه‌ساله حکومت وحدت ملی، کابل، ریاست مطبوعات، معاونت ارتباطات استراتژیک و رسانه‌ها، ریاست عمومی دفتر مقام عالی ریاست جمهوری، چاپ اول.
۳. روزنامه اطلاعات روز، ۵ قوس ۱۳۹۳.
۴. روزنامه افغانستان ما، ۲۶ سرطان ۱۳۹۰.
۵. روزنامه هشت صبح، ۱۷ آوریل ۲۰۱۸، بنیاد اندیشه.
۶. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۳)، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم.
۷. گونل، ماکس (۱۳۹۴)، روابط بین‌الملل. ترجمه وحید کوثری و محمدکاظم لطفی، تهران، انتشارات نسل آفتاب، چاپ دوم.
۸. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت، چاپ دهم.
۹. موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۹)، سازمان‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات میزان، چاپ هفدهم.

